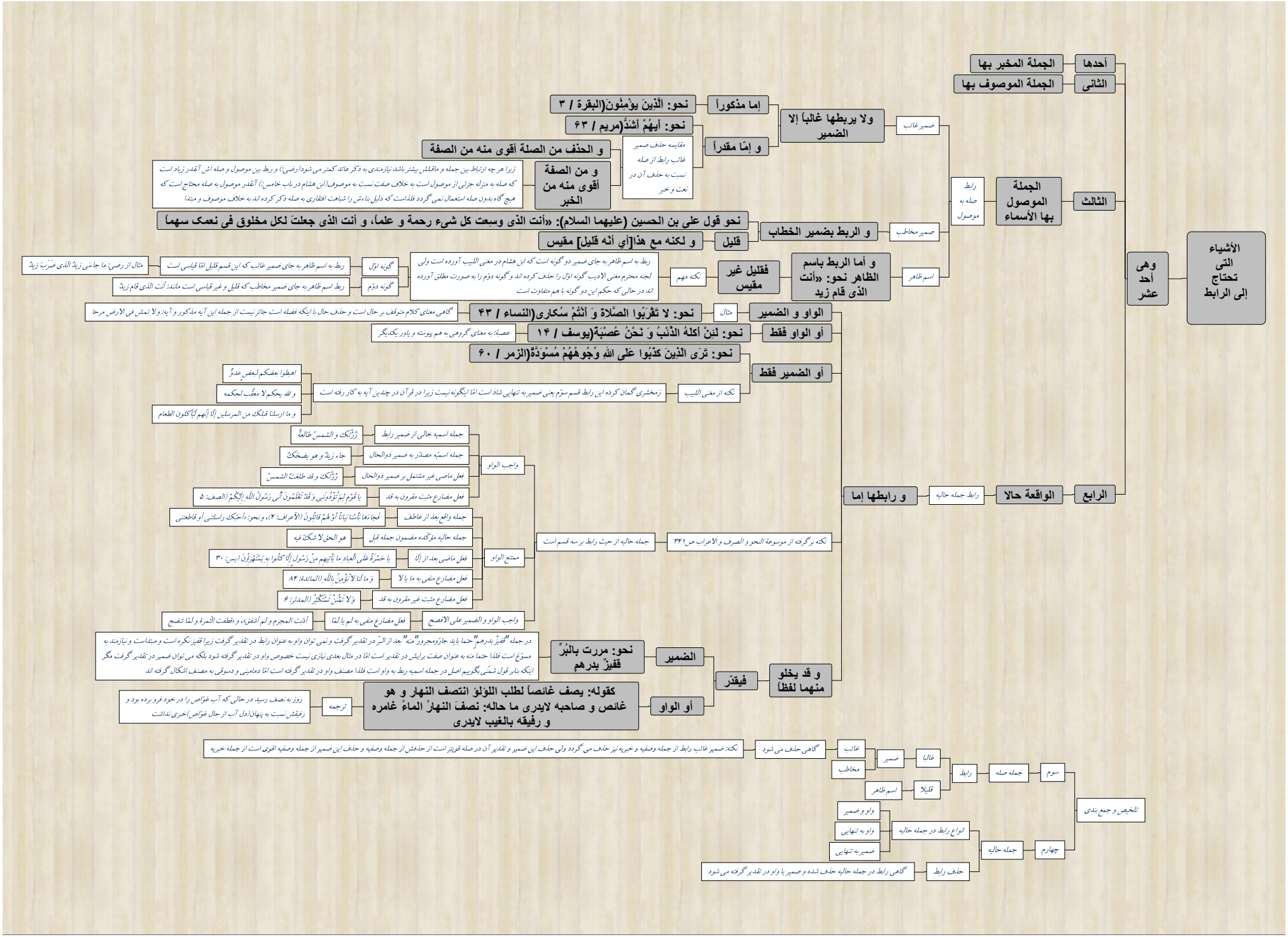
الأشياء التی تحتاج إلی الرابط
وهی أحد عشر
أحدها
الجملة المخبر بها
الثانی
الجملة الموصوف بها
الثالث
الجملة الموصول بها الأسماء
رابط صله به موصول
ضمیر غائب
ولا یربطها غالباً إلا الضمیر
إما مذکوراً
نحو: اَلَّذِینَ یؤْمِنُونَ(البقرة / ۳
و إمّا مقدراً
نحو: أیهُمْ أَشَدُّ(مریم / ۶۳
مقایسه حذف ضمیر غائب رابط از صله نسبت به حذف آن در نعت و خبر
و الحذف من الصلة أقوی منه من الصفة
و من الصفة أقوی منه من الخبر
زیرا هر چه ارتباط بین جمله و ماقبلش بیشتر باشد نیازمندی به ذکر عائد کمتر می شود(رضی) و ربط بین موصول و صله اش آنقدر زیاد است که صله به منزله جزئی از موصول است به خلاف صفت نسبت به موصوف(ابن هشام در باب خامس) آنقدر موصول به صله محتاج است که هیچ گاه بدون صله استعمال نمی گردد فلذاست که دلیل بناءش را شباهت افتقاری به صله ذکر کرده اند به خلاف موصوف و مبتدا
ضمیر مخاطب
و الربط بضمیر الخطاب
نحو قول علی بن الحسین (علیهما السلام): «أنت الذی وسعت کل شیء رحمة و علماً، و أنت الذی جعلتَ لکل مخلوق فی نعمک سهماً
قلیل
و لکنه مع هذا[أي أنّه قلیل] مقیس
اسم ظاهر
و أما الربط باسم الظاهر نحو: «أنت الذی قام زید
فقلیل غیر مقیس
نکته مهم
ربط به اسم ظاهر به جای ضمیر غائب که ابن هشام در مغنی اللبیب آورده است ولی لجنه محترم مغنی الادیب گونه اول را حذف کرده اند و گونه دوّم را به صورت مطلق آورده اند در حالی که حکم این دو گونه با هم متفاوت است
گونه اوّل
ربط به اسم ظاهر به جای ضمیر غائب که این قسم قلیل امّا قیاسی است
مثال از رضی: ما جاءنی زیدٌ الذی ضَرَبَ زیدٌ
گونه دوّم
ربط اسم ظاهر به جای ضمیر مخاطب که قلیل و غیر قیاسی است مانند: أنت الذی قام زیدٌ
الرابع
الواقعة حالا
رابط جمله حالیه
و رابطها إما
الواو و الضمیر
مثال
نحو: لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُکاری(النساء / ۴۳
گاهی معنای کلام متوقف بر حال است و حذف حال با اینکه فضله است جائز نیست از جمله این آیه مذکور و آیه: ولا تمش فی الارض مرحا
أو الواو فقط
نحو: لَئِنْ أَکلهُ الذِّئْبُ وَ نَحْنُ عُصْبَةٌ(یوسف / ۱۴
عصبهٔ: به معنای گروهی به هم پیوسته و یاور یکدیگر
أو الضمیر فقط
نحو: تَرَی الَّذِینَ کَذَبُوا علی اللهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ(الزمر / ۶۰
نکته از مغنی اللبیب
زمخشری گمان کرده این رابط قسم سوّم یعنی ضمیر به تنهایی شاذ است امّا اینگونه نیست زیرا در قرآن در چندین آیه به کار رفته است
اهبطوا بعضکم لبعض عدوٌ
و الله یحکم لا معقّب لحکمه
و ما ارسلنا قبلک من المرسلین إلّا إنهم لیأکلون الطعام
نکته برگرفته از موسوعهٔ النحو و الصرف و الاعراب ص۳۴۱
جمله حالیه از حیث رابط بر سه قسم است
واجب الواو
جمله اسمیه خالی از ضمیر رابط
رُؤْیُک و الشمسُ طالعةٌ
جمله اسمیّه مصدّر به ضمیر ذوالحال
جاء زیدٌ و هو یضحکُ
فعل ماضی غیر مشتمل بر ضمیر ذوالحال
رُؤْیُک و قد طلعتْ الشمسُ
فعل مضارع مثبت مقرون به قد
یا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِی وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ (الصف: ۵
ممتنع الواو
جمله واقع بعد از عاطف
فَجاءَها بَأْسُنا بَیاتاً أَوْ هُمْ قائِلُونَ (الأعراف: ۴)، و نحو: أحبّک واسلتنی أو قاطعتنی
جمله حالیه مؤکّده مضمون جمله قبل
هو الحق لا شکّ فیه
فعل ماضی بعد از إلّا
یا حَسْرَةً عَلَی الْعِبادِ ما یَأْتِیهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ (یس: ۳۰
فعل مضارع منفی به ما یا لا
وَ ما لَنا لا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ (المائدة: ۸۴
فعل مضارع مثبت غیر مقرون به قد
وَ لا تَمْنُنْ تَسْتَکْثِرُ (المدثر: ۶
واجب الواو و الضمیر علی الافصح
فعل مضارع منفی به لم یا لمّا
أدّبَ المجرم و لم أشفق، و قطفت الثمرة و لمّا تنضج
و قد یخلو منهما لفظاً
فیقدّر
الضمیر
نحو: مررت بالبُرِّ قفیزٌ بدرهمٍ
در جمله "قفیزٌ بدرهم" حتما باید جارّومجرور "منه" بعد از البرّ در تقدیر گرفت و نمی توان واو به عنوان رابط در تقدیر گرفت زیرا قفیز نکره است و مبتداست و نیازمند به مسوّغ است فلذا حتما منه به عنوان صفت برایش در تقدیر است امّا در مثال بعدی نیازی نیست خصوص واو در تقدیر گرفته شود بلکه می توان ضمیر در تقدیر گرفت مگر اینکه بنابر قول شمّنی بگوییم اصل در جمله اسمیه ربط به واو است فلذا مصنف واو در تقدیر گرفته است امّا دمامینی و دسوقی به مصنف اشکال گرفته اند
أو الواو
کقوله: یصف غائصاً لطلب اللؤلؤ انتصف النهار و هو غائص و صاحبه لایدری ما حاله: نصفَ النهارُ الماءُ غامره و رفیقه بالغیب لایدری
ترجمه
روز به نصف رسید در حالی که آب غوّاص را در خود فرو برده بود و رفیقش نسبت به پنهان(دل آب از حال غوّاص)خبری نداشت
تلخیص و جمع بندی
سوم
جمله صله
رابط
غالبا
ضمیر
غائب
مخاطب
قلیلا
اسم ظاهر
نکته: ضمیر غائب رابط از جمله وصفیه و خبریه نیز حذف می گردد ولی حذف این ضمیر و تقدیر آن در صله قویتر است از حذفش از جمله وصفیه و حذف این ضمیر از جمله وصفیه اقوی است از جمله خبریه
گاهی حذف می شود
چهارم
جمله حالیه
انواع رابط در جمله حالیه
واو و ضمیر
واو به تنهایی
ضمیر به تنهایی
حذف رابط
گاهی رابط در جمله حالیه حذف شده و ضمیر یا واو در تقدیر گرفته می شود